

ادامه از صفحه اول

خاکستری، عبوس و بی هویت

شهرهای آباد، آرام و باهویت، پهنه‌های بزرگ سیاسی و شهروندان راضی و باهویت و دل بسته به خود را می‌سازند و برعکس. اگر این اصل را مدنظر داشته باشیم و سپس به شهرهای خود نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که با موقعیت آرمانی چه فاصله عظیمی داریم. شهرهای ما مانند ساختارهایی از لوله‌های بزرگی به نام «خیابان» و «پیاده‌رو» و فخره‌های هولناکی به نام «میدان» و «ساختمان» و «رگذر» و... به نظر می‌رسند که آنها را در حد خفگی با کالاهای بی‌مصرف پُر کرده‌ایم. کالاهایی که مردم با آنها برای یکدیگر خودنمایی کنند: از خودروها تا کالاهای لوکس نوکیسگان؛ شهرهایی که آنها را با رفتارهای غیرانسانی، بی‌ادبانه، غیرمدنی، خشنوت‌آمیز و بی‌معنا انباشته‌ایم؛ حرکاتی مانند پرسه‌زدن‌هایی برای آزار دیگران و نه برای تفریح. بیرون‌زدن‌هایی برای خرید همان کالاهای بُنجل، جابه‌جاشدن‌هایی آلوده‌ساز و بیهوده و... شهرهای ما که به برکت پول نفت، پول‌های سرگردان با منشا مشکوک، دائمًا در حال افزایش ساخت‌وسازهای لوکس و بزرزق و-برق و تازه به‌دوران‌رسیده (از جمله مراکز تجاری بزرگ) تفریح، بیرون‌زدن‌هایی بی‌روح هستند و اگر از زشتی آنها صحبت می‌کنیم، ابتدا به دلیل نبود کوچه و خیابان‌ها و ساختمان‌های بزرگ و آباد و «شکوهمند» (ولو با سلیقه نوکیسگان) نیست. امروز چه بسیار ساختمان‌ها و بناها و ساخت‌وسازهای شهری کوچک‌تر و بزرگ‌تر و به وسیله بهترین مهندسان و معماران ایرانی طراحی و ساخته می‌شوند؛ اما «شهر» انسانی، این نیست و به‌ویژه «حق بر شهر» بر چنین شهری قابل کاربردپذیری نیست. با ساختن در و دیوار و خیابان و میدان و ساختمان‌های بلندمرتبه و عمارت‌های عجیب‌وغریب مثلاً «پسامدرن» یا «های‌تک» نمی‌توان به یک مدرنیته کج‌وکوله که هیچ، حتی به مرزهای رضایت حداقلی ساکنان یک شهر از زندگی در آن رسید و البته بسیار کمتر از آن به پهنه تعلق و هویت شهری وارد شد. برعکس می‌توان شهرهایی بسیار ساده، با ساخت‌وسازهای اندک، بدون تجملات و نوکیسگان داشت که مردمانی خوشبخت در آنها زندگی می‌کنند؛ زیرا می‌دانند که یکدیگر را دوست دارند و در یک سازمان‌یافتگی اجتماعی زندگی می‌کنند که در آن به انسان‌ها و انسانیت بیشترین اهمیت داده می‌شود و نه به پول آنها یا خودرویی که سوارش می‌شوند یا لباسی که پوشیده‌اند، میزانی که می‌توانند کالاهای بُنجل بخرند، مصرف کنند یا به رستوران‌های «لاکچری» بروند و غذاهای مسموم بخورند. شهرهای ما هویت نمی‌سازند؛ زیرا اصولا به دنبال هویت‌ساختن نیستند. شهرهای ما پول می‌سازند؛ زیرا به دنبال پول‌ساختن هستند و آن هم پول‌ساختن به هر بهایی حتی به بهای ازدست‌دادن روح و اخلاق و سنت‌ها و ادب و فرهنگ خودشان؛ و از همین راه می‌توان تمام راه‌حل‌های اجتماعی و فرهنگی را برای رسیدن به شهرهایی انسانی‌تر، برای رسیدن به حق شهر، برای رسیدن به آزادی بیشتر به طرفیت بالایی در تحمل دیگری و تلاش‌کردن برای هم‌زیستی سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی با یکدیگر، یافت. این راه‌ها زورما و مستقیما سیاسی نیستند؛ اما نیاز به اراده سیاسی کافی دارند و این اراده سیاسی باید بدان‌ه که بدترین تصمیمی که برای ترمیم این مشکلات و ا-بین وضعیت نامطلوب وجود دارد، نگاه آفرانه و سخت‌گیرانه به شهر است. هرگونه افزایش فشار در حوزه عمومی از طریق واردکردن سازوکارهای آفرانه کنترل و تنبیه-همان‌گونه که بعضا چندین دهه تجربه شده- به‌سرعت خلاف‌ها را تشدید کرده و البته آنها را از حوزه عمومی به حوزه خصوصی یعنی درون خانه‌ها منتقل خواهد کرد که هم دشتشان را بیشتر می‌کند و هم غیرقابل کنترل و ترمیم است. مگر اینکه در ادامه منطق زور وارد حوزه خصوصی شویم که این کار در شرایط صلح اجتماعی و نبود تنش‌های بزرگ سیاسی، به معنای خودکشی سازمان‌یافتگی اجتماعی-سیاسی است؛ بنابراین راه‌حل منطقی، سیاست‌زدایی جناحی از شهر و رسیدن به توافقی است که به نظر من مهم‌تر از منشور حقوق شهروندی است و آن اینکه درک کنیم بدون عدالت در فضا، بدون وجود امکان برای آنکه همه سلیقه‌ها، همه سبک‌های زندگی، همه عقاید و همه هویت‌ها بتوانند در چارچوب قانون و عرف اجتماعی به بیان درآمده و فضا و زمان لازم برای وجود خود را در شهر بیابند. شهرهای ما همچنان بی‌روح، بی‌شکل و بی‌هویت و عبوس و خاکستری باقی مانده و در حقیقت به بازارهای مکاره بزرگی شباهت داشته و خواهند داشت که محل رفت‌وآمد خودروها برای آلودگی هوا، نوکیسگان برای آلودگی دهان‌ها و همه کالاهای مصرفی بی‌خاصیت دیگر برای تخریب اقتصاد و آینده کشور خواهد بود. تبعیت از الگوی اروپایی- آسیایی شهر انسان‌محور نظیر شهرهای آسیای جنوب‌شرقی و اروپای شمالی و پرهیز از الگوی آمریکایی در شهرسازی و شهرنشینی، کلیدی است که می‌توان به صورت بسیار موجز به مدیریت شهری اصلاح‌طلبانه ارائه داد.

ادامه از صفحه اول

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گزارشی تأکید کرد افزایش قیمت حامل‌های انرژی موضوع تبصره ۱۸ موجب کاهش ۰.۷۵ تا یک درصدی رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۷ می‌شود که این کاهش رشد می‌تواند به کاهش ۳۶۰ تا ۴۸۰ هزارنفری اشتغال منجر شود. دولت و مجلس باید توجه داشته باشند که خود دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده است. گزارش اقتصادی سازمان برنامه در سال ۱۳۷۳ با نتایج دستکاری قیمت ارز در سال ۱۳۷۲ اشاره دارد. در این گزارش آورده‌شده که تورم مصرف‌کننده بعد از شوک قیمتی به ۲۱ درصد رسیده، درحالی‌که CPI دولت یعنی شاخص ضمنی هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت ۷۱.۵ درصد افزایش پیدا کرده است. بیان ساده این گزارش یعنی افزایش قیمت حامل‌های انرژی هزینه‌های دولت را به‌طور متوسط ۳.۵ برابر بیشتر از خانوارها بالا می‌برد. بنابراین هرچند دولت گمان می‌کند با افزایش قیمت بنزین، گازوئیل، گاز و برق، درآمدی به‌دست می‌آورد که می‌تواند با آن سرمایه‌گذاری کند و اشتغال به‌وجود بیاورد؛ اما تجربه سال‌های قبل می‌گوید آتقدر هزینه‌های دولت بعد از افزایش قیمت‌ها بالا می‌رود که ریالی برای اشتغال‌زایی باقی نمی‌ماند.

عصاره تمام وعده‌های انتخاباتی

رئیس‌جمهور در حالی لایحه بودجه سال ۹۷ دولت را به مجلس تقدیم کرد که آن را «عصاره تمام وعده‌های انتخاباتی» خود دانست و عنوان کرد «دولت با این لایحه درصدد ریشه‌کن‌کردن فقر مطلق است». روحانی در صحن علنی مجلس میانی اصلی بودجه سال آینده را اشتغال فراگیر، رفع فقر و ایجاد عدالت اعلام کرد. تبصره ۱۸ لایحه مذکور برنامه رئیس‌جمهور برای دستیابی به اشتغال فراگیر را به تصویر کشیده است. در این تبصره به دولت اجازه داده می‌شود تا صد درصد منابع حاصله از مابه‌التفاوت قیمت حامل‌های انرژی در سال ۱۳۹۷ نسبت به قیمت این حامل‌ها در ابتدای سال جاری را تا سقف ۱۷ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان با منابع صندوق توسعه ملی و تسهیلات بانکی، در جهت حمایت از طرح‌های تولید، اشتغال و آموزش و کمک به کاروری جوانان دانش‌آموخته دانشگاهی پرداخت کند. به‌عبارت‌دیگر مهم‌ترین اهرم اشتغال‌زایی دولت در سال آینده افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. این در حالی است که تبصره ۱۴ ماده واحده این لایحه، به‌صورت ضمنی تأکید می‌کند که دولت در سال ۹۷ از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی تا مبلغ ۳۷۰ هزار میلیارد ریال درآمد کسب خواهد کرد. نکته جالب‌توجه این است که در این تبصره برخلاف روال معمول بودجه‌نویسی، هیچ اشاره‌ای به مقدار افزایش هر یک از حامل‌ها نشده است اما اخبار و گزارش‌های موقق از مباحث مطرح بین اقتصاددانان بعینه نشان می‌دهد که دولت‌مردان قصد افزایش ناگهانی قیمت‌ها بین ۳۰ تا ۶۶ درصد قیمت بنزین از هزار به هزارو ۵۰۰ تومان، قیمت گازوئیل (نفت‌گاز) از ۳۰۰ به ۴۰۰ تومان و قیمت گاز طبیعی از ۹۲ به ۱۲۰ تومان افزایش خواهد یافت. اگر به‌طور متوسط مصرف روزانه بنزین را ۸۲ میلیون لیتر و مصرف روزانه گازوئیل را ۶۸ میلیون لیتر در نظر بگیریم و این رقم را در روزهای سال ضرب کنیم، رقم حاصله حدود ۱۷/۴ هزار میلیارد تومان خواهد بود که این رقم در تبصره ۱۸ لایحه هدفمندی منظور شده است.

قیمت‌های سال ۸۹ چه میزان شغل آفرید؟

درست هفت سال پیش در چنین روزهایی بود که دولت با افزایش قیمت حامل‌های انرژی موضوع تبصره ۱۸ موجب کاهش ۰.۷۵ تا یک درصدی رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۷ می‌شود که این کاهش رشد می‌تواند به کاهش ۳۶۰ تا ۴۸۰ هزارنفری اشتغال منجر شود. دولت و مجلس باید توجه داشته باشند که خود دولت بزرگ‌ترین مصرف‌کننده است. گزارش اقتصادی سازمان برنامه در سال ۱۳۷۳ با نتایج دستکاری قیمت ارز در سال ۱۳۷۲ اشاره دارد. در این گزارش آورده‌شده که تورم مصرف‌کننده بعد از شوک قیمتی به ۲۱ درصد رسیده، درحالی‌که CPI دولت یعنی شاخص ضمنی هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولت ۷۱.۵ درصد افزایش پیدا کرده است. بیان ساده این گزارش یعنی افزایش قیمت حامل‌های انرژی هزینه‌های دولت را به‌طور متوسط ۳.۵ برابر بیشتر از خانوارها بالا می‌برد. بنابراین هرچند دولت گمان می‌کند با افزایش قیمت بنزین، گازوئیل، گاز و برق، درآمدی به‌دست می‌آورد که می‌تواند با آن سرمایه‌گذاری کند و اشتغال به‌وجود بیاورد؛ اما تجربه سال‌های قبل می‌گوید آتقدر هزینه‌های دولت بعد از افزایش قیمت‌ها بالا می‌رود که ریالی برای اشتغال‌زایی باقی نمی‌ماند.

تجمع‌کنندگان، با شعارهای خود، اشاراتی هم به جنجال حاصل از سبوس داشتند، اما محمود حجتی که به سوگ برادر نشسته، در محل کار خود حاضر نبود که جواب معترضان را بدهد. نخستین ساعات تجمع، با دخالت پلیس، با اندکی تنش همراه شد به‌نجوئی که یکی از مرگرداران به‌دلیل شوک عصبی ناشی از این تجمع، نقش بر زمین شد، اما تحصن تا بعدازظهر مقابل ساختمان وزارت جهاد کشاورزی در خیابان طالقانی به‌صورت آرام ادامه یافت. امیر سلطانی، یکی از تولیدکنندگان گوشت مرغ، در گفت‌وگو با «شرق» درباره تجمع دیروز مرگرداران عنوان کرد: در دو ماه گذشته قیمت ذرت و سویا که جز، نهاده‌های اصلی صنعت طیور هستند، با رشد چشم‌آمیز بوده است. ذرت با رشد ۸۰ درصدی از کیلویی ۷۰۰ به هزارو ۲۰۰ تومان رسیده است. سویا هم از هزارو ۴۰۰ به هزارو ۸۰۰ تومان رسیده که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد، بهای آن افزایش یافته است. به گفته او قیمت عرضه جوجه یک‌روزه هم که براساس توافق وزارت جهاد کشاورزی باید هزارو ۵۰۰ تومان باشد، افزایش داشته و بسیاری از مرگرداران، جوجه یک‌روزه مزارع خود را دوهزارو ۷۰۰ تومان خریداری کرده‌اند، اما در نقطه مقابل، قیمت خرید

اقتصاد

لطفادولت ومجلس تجربیات گذشته را در دستکاری قیمت‌ها بازخوانی کنند

بنزین ۱۵۰۰ تومانی، سوخت ۸۰۰ هزار شغل



عکس: AFP

افزایش قیمت سوخت برای جبران کسری بودجه است

محمدمدلی یوسفی . اقتصاددان

ما می‌دانیم که دولت با کسری مواجه است. هزینه‌های جاری دولت همچنان افزایش پیدا کرده است و دولت به دنبال جبران منابعی برای این هزینه‌هاست؛ پس به انواع سیاست‌ها متوسل می‌شود تا بتواند منابع لازم را به دست بیاورد. این منابع از نرخ ارز تا افزایش عوارض، افزایش دریافت مالیات‌ها و افزایش فروش اموال دولتی را شامل می‌شود. افزایش قیمت بنزین نیز در واقع یک منبع جدید برای دولت محسوب می‌شود تا به کمک آن کسری‌اش را جبران کند. همه این منابع در جایی حسابرسی می‌شوند که در اختیار دولت است؛ پس اینکه این پول را در کجا هزینه کند و چه استفاده‌ای از آن داشته باشد، به تصمیم دولت برمی‌گردد. واقعیت این است که اگر ما فکر کنیم تنها با افزایش قیمت حامل‌های انرژی مشکل بی‌کاری برطرف می‌شود، اشتباه است. این افزایش منابع از طریق گران‌کردن سوخت ممکن است کسری بودجه را تا حدودی جبران کند؛ اما یقیناً تبعاتی خواهد داشت که یکی از آنها افزایش تورم است. پس همه این تصمیمات و نتایج‌اش را باید به شکل مجموعه‌ای دید تا قابل تحلیل باشد. نگاهی به کلیت لایحه بودجه نیز نشان می‌دهد این مجموعه درحال‌حاضر وضعیت مناسبی ندارد و دولت سیاست ریاضت اقتصادی نادرستی را پیگیری می‌کند که تبعات مطلوبی را در پیش نخواهد داشت. دولت اگر قصد اشتغال‌زایی دارد، باید سیاست‌های دیگری را دنبال کند تا بخش‌های صنعتی و کشاورزی رونق پیدا کنند. فعالیت‌های اقتصادی از سر گرفته شود. اقتصاد از وضعیت رکود تومری خارج شود و درآن‌صورت می‌توان انتظار افزایش اشتغال را داشت. درحال‌حاضر هیچ تناسبی بین رشد اقتصادی و اشتغال وجود ندارد و افزایش قیمت حامل‌های انرژی نیز کمکی به اشتغال‌زایی نخواهد کرد و چنین تفسیری اشتباه است. از طرف دیگر همان‌طور که گفتیم، دولت با کسری بودجه روبه‌رو است و مجبور است بین بد و بدتر یکی را انتخاب کند و افزایش قیمت حامل‌های انرژی را نیز باید اقامدی بد در راستای رفع کسری بودجه تفسیر کرد؛ نه چیز دیگر.

که «طرح هدفمندی یارانه‌ها» در دولت دهم کلید خورد؛ طرحی که قرار بود با افزایش قیمت حامل‌های انرژی و پرداخت بخشی از درآمد آن به‌عنوان یارانه نقدی به خانوارهای کم‌درآمد، به‌کاهش سطح شکاف طبقاتی منجر شود. طرحی که با توجه به عدم توانایی دولت در شناسخت خانوارهای کم‌درآمد فرجامی فاجعه‌بار درپی داشت. این در حالی است که درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها که قرار بود بخشی از آن به تولید و اشتغال تخصیص داده شود، محقق نشد. از سویی با پرداخت یارانه نقدی ۴۵هزار و ۵۰۰ تومانی به تمامی خانوارهای ایرانی، در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ حجم یارانه پرداختی به خانوارها معادل سه برابر بودجه عمرانی کشور شد و از سوی دیگر این سیاست به‌دلیل فشار بر بخش عرضه اقتصاد، منجر به افزایش هزینه تولید و به‌تبع آن رشد صعودی تورم تا سطوح بیش از ۴۵ درصد، افزایش بی‌سابقه نرخ ارز و کاهش شدید اشتغال شد. روزی قرار بود هدف از افزایش قیمت بنزین و واقعی‌کردن بهای آن برقراری عدالت برای بهره‌مندی از یارانه‌ها باشد و روزی دیگر این هدف، به بهینه‌سازی مصرف سوخت تغییر پیدا کرد. فصلی دیگر هم هدف جلوگیری از واردات بنزین عنوان شد و امروز هم اشتغال‌زایی مطرح است. فراغ از آنکه هیچ فرمول و مدل ریاضی‌ای وجود ندارد که بگوید در ازای کاهش یک‌میلیون‌لیتری مصرف بنزین یا افزایش صدتومانی

بهای انرژی، چه میزان شغل ایجاد می‌شود. این در حالی است که تجربه افزایش قیمت بنزین در دوره اصلاحات (سال‌های ۷۶ تا ۸۳) اثبات کرد تکیه صرف بر سیاست‌های قیمتی مانند افزایش قیمت لزوماً کاهش مصرف بنزین را به همراه نخواهد داشت. در آن دوران زمانی، قیمت بنزین به صورت سالانه افزایش یافت و از لیتری ۱۳ تومان به لیتری ۸۰ تومان رسید، ولی نه‌تنها مصرف بنزین کنترل نشد، بلکه از ۳۵ میلیون لیتر در روز به ۶۰/۷ میلیون

لیتر در روز رسید؛ یعنی رشدی ۷۳درصدی.

وقت‌خوب برای انتخاب بد

اگر دولت قصد افزایش قیمت حامل‌های انرژی را داشت باید این امر را از سال ۹۲ و به‌تدریج اجرایی می‌کرد، با توجه به‌دربیش‌بودن انتخابات مجلس دهم و انتخابات ریاست‌جمهوری دوره یازدهم می‌توان تعلل دولت دراین‌باره را درک کرد. اینکه دولت چهار سال افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی که در قانون پیش‌بینی شده است را اجرا نکرد تا دوباره رای بیاورد و بعد که خیالش راحت شد جمع آن افزایش‌ها را یکباره اجرا کند تا شوک بزرگ دیگری به پیکره تحیف اقتصاد و معیشت مردم وارد شود، یک تصمیم مخرب است. ظاهراً دولت خوب وقتی را هم برای این شوک انتخاب کرده است چراکه مجلس هم سال‌آخرش نیست و انتخابات مجلس دهم نزدیک نیست و بنابراین نمایندگان هم انگیزه چندانی برای مخالفت با این شوک ندارند.

افزایش سریع و یکباره قیمت حامل‌های انرژی با نرخ رشد ۵۰درصدی، شائبه سیاسی‌بودن این تصمیم را بیش‌ازپیش در اذهان عمومی تقویت می‌کند. بهتر است این افزایش قیمت با یک شیب ملایم انجام شود تا شوک اجتماعی و اقتصادی به جامعه وارد نشود. این افزایش قیمت می‌تواند بر افزایش قیمت کالاها تأثیر گذاشته و در نتیجه آسیب و حتی تعطیلی واحدهای تولیدی را به همراه داشته باشد که نتیجه آن ریزش اشتغال است و در شرایط کنونی بخش صنعت و تولید کشور توان تحمل چنین شوکی را ندارد. افزایش قیمت بنزین و گازوئیل به عنوان یک پیشران عمل خواهد کرد و در سطح افقی تکثیر خواهد شد. افزایش قیمت بنزین بیشتر کسب‌کارهای کوچک را تحت تأثیر قرار می‌دهد که اتفاقاً ۸۰درصد اشتغال مربوط به آنهاست.

بدون ضمایم تضمین‌شده برای اشتغال

گفته شده است ۱۷ یا ۱۸ هزار میلیارد تومان از درآمد اضافی ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی صرف ایجاد اشتغال می‌شود اما دولت در ضمایم قانون بودجه برنامه روشن و تضمین‌شده‌ای دراین‌باره ارائه نکرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در جریان شوک قیمتی انرژی در سال ۱۳۸۹، از طریق ورشکستگی و تعطیلی بنگاه‌ها، حداقل ۱/۴ میلیون شغل در سال ۹۰ نسبت به ۸۹ از بین رفته است و پیش‌بینی می‌شود با این شوک قیمتی جدید نیز حدود ۸۰۰ هزار شغل از بین برود.

سناریو افزایش قیمت‌های اقلام کلیدی در اختیار دولت، از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۵ با افزایش نرخ ارز و اقلام دیگر آغاز شده است. این سناریو تحت عناوین گوناگونی مانند «واقعی‌سازی قیمت‌ها»، «رقابتی‌سازی» و «کنترل واردات» از طرف گروه‌های ذی‌نفعی و جریان‌های رسانه‌ای وابسته به بخش‌های ف از دولت و بخش شبه‌خصوصی ذی‌نفع حمایت و ترویج می‌شود. واقعی‌سازی قیمت‌ها عنوان فریبنده‌ای است که برای توجیه افزایش قیمت نرخ ارز و خدمات و کالاهای اساسی (دولتی) مانند بنزین، آب، برق و گاز استفاده می‌شود. در این راستا با سطحی‌نگری

و رویکردهای تک‌وجهی از موضوعات اساسی و کلیدی اقتصاد کشور غفلت به عمل می‌آید. اگر دولت خواهان اجرای سیاست‌های تعدیل ساختاری (با تأکید صرف بر اصلاح قیمت‌ها) و توجیه آنها براساس تجربه کشورهای موفق است، پس به سایر توصیه‌های نهادهای پولی و مالی بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول مبنی بر اصلاح بودجه با مدیریت بدهی دولت و همچنین اصلاحات ساختاری در فضای کسب‌وکار و تقویت بخش خصوصی عمل کند. در شرایطی که اقتصاد دوقطبی و تا حد زیادی غیرمردمی شده است و به فعالیت‌های بخش خصوصی واقعی و عامه مردم توجهی نمی‌شود، طبیعی است که در وضعیت عدم افزایش بهای نفت، اقتصاد در رکود هر چه بیشتر خواهد رفت. در این شرایط دولت به جای کوچک‌کردن حجم و اندازه خود و اخذ مالیات از بخش‌های اقتصادی رانتی و ثروت‌ها و منافع بزرگ طبق روال مالوف سه دهه اخیر، قصد دارد تا کسبر بودجه خود و منافع گروه‌های رانتی را با افزایش قیمت‌های در اختیار، از جیب عامه مردم تأمین کند. دولت باید توجه جدی داشته باشد که در حال حاضر فعالیت و کسب‌وکار و وضعیت درآمد و معیشت عامه مردم در شرایطی نیست که تاب و تحمل شوک‌های قیمتی جدید و اخذ مالیات تومری را داشته باشد. شوک‌های قیمتی ریسک‌های جدی ایجاد آقاتی را به همراه دارد.

دوشنبه ناظران بخش کشاورزی و سه‌شنبه مرگرداران به‌دلیل کاستی‌های بخش تولید، تجمع برگزار کردند

کشاورزان سکوت را شکستند

وزارت جهاد کشاورزی به دیده تردید نگاه می‌کند و صحبت‌های وزیر جهاد کشاورزی برای تشکیل زنجیره تولید را زمینه‌ساز ایجاد رانت، برای گروهی خاص می‌داند. این تولیدکننده مرغ می‌گوید: در کل اروپا یا آمریکا زنجیره تولید وجود دارد. در این کشورها پنج شرکت عمده متولی تولید گوشت مرغ وجود دارد که این پنج شرکت، با زیرمجموعه‌های خود قرارداد می‌بندند و نهاده‌های زیرمجموعه‌های خود را تأمین کرده و محصول نهایی را جمع‌آوری می‌کنند. در این فرایند، به تولیدکننده یارانه تولید می‌دهند. او ادامه می‌دهد: وزارت جهاد کشاورزی می‌خواهد این زنجیره را احیا کند، اما به عده‌ای خاص وام‌های میلیاردی با سود پایین می‌دهد؛ به‌این‌ترتیب این زنجیره در اختیار افراد خاصی قرار می‌گیرد.

ناظران کشاورزی خواستار استخدام

این فقط مرگرداران نیستند که منتقد سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی هستند. چندی است ناظران کشاورزی نیز به‌صورت زنجیره‌ای در اعتراض به سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی دست به تجمع می‌زنند. این ناظران دوشنبه در پنجمین گردهمایی خود، مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و خواستار اجرای مصوبه سال ۹۰ مجلس شورای اسلامی برای استخدام شدند. به گفته نمایندگان ناظران بخش کشاورزی، حداقل دو هزار ناظر مشمول مصوبه استخدامی سال ۹۰ در وزارت جهاد کشاورزی با حقوق اندک ۱۵۰هزار تومان مشغول به کار هستند و این وزارتخانه با وجود نیاز به نیروی جدید و با توجه به بازنشسته‌شدن نیروهای قدیمی، زیر بار استخدام این ناظران نمی‌رود. براساس مصوبه استخدامی سال ۹۰، اگر ناظری تا قبل از ۱۲ اسفند این سال، بیش از ۳۰ ماه سابقه حضور در مزرعه را داشته باشد، باید بدون رعایت شرط سنی و بدون آزمون استخدامی، به‌عنوان نیروی وزارت جهاد کشاورزی استخدام شود، اما به گفته متحصنین، این مصوبه، در وزارت جهاد کشاورزی به‌صورت گزینشی اجرا شده است.

خبر

بنزین ۱۵۰۰تومانی رسماً اعلام شد

● پایگاه اطلاع‌رسانی دولت به‌طور رسمی اعلام کرد، قیمت بنزین در سال ۹۷ به هزارو ۵۰۰ تومان می‌رسد و بارانه به ۴۲ میلیون نفر از مردم تعلق خواهد گرفت. به گزارش فارس، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت به‌طور رسمی اعلام کرد در لایحه بودجه ۹۷ راهکار تأمین منابع برای اشتغال‌زایی افزایش قیمت بنزین و گازوئیل عنوان شده است و مهم‌ترین دلیل آن رسیدن قیمت بنزین و گازوئیل به قیمت فوب خلیج فارس است.

بازتاب

بازار نهاده‌ها انحصاری نیست

● با سلام و احترام، نظر به انتشار گزارشی از سوی آن رسانه مورخ ۹۶/۹/۲۶ با عنوان «سفره نهاده‌های طیور در اختیار عده‌ای خاص قرار دارد/ تصمیمی که انحصار ساخت» خواهشمند است به منظور روشنگری افکار عمومی، توضیحات زیر در همان صفحه و ستون انتشار یابد. انحصارزدایی و حذف امضاهای طلایی در زمینه تأمین نهاده‌های دام و طیور از اختفارات وزارت جهاد کشاورزی در دولت تدبیر و امید بوده است و فد نام‌برده‌شده در گزارش روزنامه «شرق» از اساس باطل است. این گزارش با تأکید بر اینکه به هیچ وجه انحصاری در واردات نهاده‌های دامی وجود ندارد، ادامه می‌دهد: همان‌طور که به طور مکرر اعلام شده است همه متقاضیان شامل تولیدکنندگان و بازرگانان اعم از حقوقی و یا حقیقی بدون مراجعه به وزارت جهاد کشاورزی و فقط با رعایت مسائل بهداشتی و قرنطینه‌ای می‌توانند نسبت به واردات نهاده‌های دامی موردنیاز اقدام کنند. در ادامه این گزارش، آمده است: وزارت جهاد کشاورزی اقدام برای پیگیری حقوقی در این خصوص را برای خود محفوظ می‌دارد.

خبر ویژه

نشست خبری «دیجی کالا و توسعه اقتصادی کشور» برگزار شد



● صبح یکشنبه ۲۶ آذر جمعی از خبرنگاران و اصحاب رسانه از مرکز پردازش این شرکت واقع در شهرک دانش بازدید کردند. یکی از بخش‌های مهم بازدید امروز رسانه‌ها از فروشگاه آنلاین دیجی‌کالا حضور در کنفرانس خبری این شرکت بود. سعید و حمید محمدی، مدیران عامل دیجی‌کالا پیش از آغاز پرسش و پاسخ‌ها، درباره این شرکت توضیحاتی ارائه کردند. این مراسم با ارائه تاریخچه خاموری و تأسیس و روند پیشرفت دیجی‌کالا در کنار ماوریت و چشم‌انداز این شرکت آغاز شد. برادران محمدی به فرآیند توسعه این شرکت هم اشاره کردند و از فروشگاه آنلاین پوشاک دیجی‌استایل، فروشگاه فیدیبو (فعال در حوزه کتاب‌های الکترونیکی) و فروشگاه آنلاین دیجی‌کالا به‌عنوان بخشی از گروه بزرگ دیجی‌کالا نام بردند. براساس توضیحات ارائه‌شده دیجی‌کالا درحال‌حاضر بیش از دومیلیون بازدید روزانه دارد. سهم این شرکت از بازار خرده‌فروشی آنلاین بیش از ۹۰ درصد است و متوسط رشد سالانه این کسب‌وکار هم بیش از صد درصد در سال بوده است. دیجی‌کالا درحال‌حاضر بیش از دو هزارو ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم ایجاد کرده و پیش‌بینی می‌شود در سه سال آینده این رقم به ۱۰هزار شغل مستقیم برسد. درعین‌حال این فروشگاه آنلاین با بیش از سه هزار فروشنده در پلتفرم مرکز فروشندگان همکاری می‌کند. دیجی‌کالا با عرضه بیش از ۵۰ هزار نوع کالای ایرانی، فروش بیش از یک‌هزار کالای صنایع دستی داخلی از سال ۹۵ تا کنون، حمایت از ۱۶۲ کارگاه صنایع دستی مختلف، معرفی سروس‌ها جهت بهبود کیفیت زندگی معلولین از طریق کمپین توان‌تک، فراهم‌کردن لوازم تحصیل دانش‌آموزان در نقاط محروم مرزی در کمپین صفر مرزی، ارسال اقلام ضروری به مناطق زلزله‌زده کرمانشاه و فروش بیش از ۵۴۰ هزار کتاب از ابتدای سال ۹۴ تاکنون بخشی از اقداماتی بودند که دیجی‌کالا در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی‌اش انجام داده است. بخشی از این کنفرانس خبری به ارائه توضیحاتی درباره مدل مارکت‌پلیس و چشم‌انداز مرکز فروشندگان دیجی‌کالا اختصاص یافت. طبق اطلاعات عرضه‌شده در این بخش دیجی‌کالا قصد دارد همکاری خود با فروشندگان مختلف را به رقمی بالغ بر صد هزار تولیدکننده و فروشنده برساند تا بازار ۲۰۰ میلیونی منطقه خاورمیانه را هدف قرار دهد. برادران محمدی درباره مرکز پردازش دانش هم اطلاعاتی را در اختیار رسانه‌ها قرار دادند. مرکز پردازش دانش بزرگ‌ترین مرکز پردازش خاورمیانه و زیرساختی برای توسعه دیجی‌کلاست. این مرکز ۵۰ هزار مترمربع مساحت دارد و در کنار وجود نوار نقاله‌ای به‌طول دو کیلومتر ظرفیتی معادل با چهار میلیون آیتم کالا و ۳۰۰ هزار سفارش در روز را دارد.